

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مطالب گذشته

بحث قبل از ماه رمضان به اینجا رسید که، کلام محقق نائینی (اعلی الله مقامه الشریف) را که استدلالی بر استحاله اخذ قصد امر در متعلق امر اقامه فرموده بودند و کلام نسبتاً مفصلي هم بود، عنوان کردیم و مورد بحث و مناقشه قرار دادیم، مجموعاً دو اشکال مهم بر فرمایش محقق نائینی (ره) وارد بود که، آن دو اشکال ذکر شد.

همانطوری که ملاحظه فرمودید، مرحوم نائینی (ره) در این بحث تقریباً اصطلاحاتی را که، مختص به خودشان بود، عنوان فرموده‌اند و این اصطلاحات قبل از ایشان، به این نحوی که ایشان فرموده، نبوده است.

از جمله مطالبی که در فرمایش ایشان بود، فرق بین موضوع و متعلق و متعلق المتعلق بود که فرموده‌اند: موضوع چیزی است که، «الامر لا يدعو اليه»، امر داعی بسوی او نیست. اما متعلق چیزی است که، «الامر يدعو اليه»، امر داعی بسوی او هست.

آن وقت فرموده‌اند: متعلق المتعلق در حکم موضوع است که، از آن استفاده‌ی مهمی در بحث کرده‌اند.

همچنین از مطالبی که داشته‌اند فرموده‌اند: «کل شرط موضوع»، هر چیزی که از شرایط تکلیف هست، عنوان موضوع دارد و این هم از اصطلاحات خودشان هست، یعنی علاوه بر آن ادعای مهمی که فرموده‌اند که: قضایای شرعیۀ تمامشان عنوان قضایای حقیقیه را دارند.

این کلام مرحوم نائینی (ره) و جواب از ایشان تمام شد. بحث در این است که، آیا مولا می‌تواند قصد الامر را بعنوان قیدیت یا شرطیت داخل در متعلق قرار دهد یا این که محال است؟ ادله زیادی را تا بحال بر استحاله بیان کردیم و تمام این ادله را مورد مناقشه قرار دادیم. فکر می‌کنم با دلیل مرحوم نائینی (ره)، مجموعاً حدود نه دلیل بر استحاله ذکر شد. ولو اینکه در اینجا یک مقدار بحث مفصل شد، اما چون این بحث، بحث مهمی هست عیبی ندارد که، یک مقدار بحث را دنبال کنیم.

دو جواب محقق حائری (ره) از بیان استحاله در کلام آخوند (ره)

مرحوم محقق حائری (ره) (در کتاب درر الفوائد) در مقام جواب از مرحوم محقق خراسانی (ره) (در کفایه) که فرموده‌اند: اخذ قصد امر در متعلق محال است، دو جواب داده‌اند که، این دو جواب را مرحوم محقق بروجردی (ره) بنابر آنچه در کتاب نهایه الاصول ذکر شده؛ آورده و هر دو را مورد اشکال قرار داده‌اند که، چون مطالبی که در این ذیل بیان شده، مطالب نافع است،

اینها را هم اشاره می‌کنیم.

جواب اول محقق حائری(ره)

مرحوم حائری(ره) در جواب اولی که از مرحوم خراسانی(ره)، ابتدائاً یک مقدمه ذکر کرده فرموده‌اند: افعالی که در عالم خارج می‌خواهد تحقق پیدا کند؛ یا در تحققشان نیاز به قصد عنوان آن فعل ندارند و یا این که در تحقق متقومند به این که، قصد عنوان آن فعل شود.

افعالی را که در خارج انجام می‌دهیم، بعضی از این افعال، اصلاً ارتباط و توقفی بر قصد عنوان آن فعل ندارند، مثل اتلاف که، در باب اتلاف اگر کسی مال دیگری را تلف کند، لازم نیست عنوان اتلاف را قصد کند، اگر در حال غفلت هم شیشه کسی را بشکند یا در حال نوم و خواب مال کسی را از بین ببرد، اتلاف تحقق پیدا می‌کند، بدون این که انسان قصد اتلاف کرده باشد. اتلاف از عناوین غیر قصدیه است.

اما در مقابل بعضی از عناوین، تحققشان در عالم خارج امکان ندارد، مگر اینکه انسان آن عنوان را قصد کند، مثل عنوان تعظیم یا اهانت، که در اینجا می‌گویند: قصد این عنوان لازم است. مثلاً اگر انسان می‌خواهد کسی را احترام کند و جلوی پای او بایستد، باید بقصد تعظیم و تکریم او باشد.

اما اگر مثلاً کسی وارد می‌شود و انسان بقصد ورزش بلند شود و بنشیند یا بلند شود و کار دیگری انجام دهد، اینجا تعظیم تحقق پیدا نمی‌کند.

اهانت هم همین طور است، گاهی انسان حرفی می‌زند، بقصد این که به دیگری اهانت کند، گاهی هم به این عنوان نیست. البته در مثال مناقشه نیست، بعضی در تعظیم قبول کرده گفته‌اند: تعظیم از عناوین قصدیه است، اما اهانت از عناوین قصدیه نیست، اگر انسان به کسی فحش دهد و ناسزا بگوید، اما بگوید: قصد اهانت ندارم، یا به یک عالمی در جمعی بگوید: تو بی سواد هستی، اما بگوید: من قصداً اهانت ندارم و می‌خواهم اخبار کنم، اینها دیگر اهانت است، حالا بعضی در مسئله اهانت گفته‌اند: اهانت متوقف بر قصد نیست و این محل بحث است.

علی‌ای‌حال مرحوم محقق حائری(ره) فرموده‌اند: دو نوع عناوین داریم؛ یک عناوینی که برای تحقق آن، نیاز به قصد نداریم و دوم عناوینی که، برای تحقق آن نیاز به قصد داریم.

بعد فرموده‌اند: افعالی عرف و عقلاء می‌فهمند که، عنوان تعظیم دارد، برای این که این فعل، طریق برای تعظیم باشد، نیازی به بیان نیست و خود عرف و عقلاء می‌فهمند که، عنوان تعظیم دارد. سجده فعلی است که، عقلاء و عرف می‌فهمند که، این عنوان و مصداقی برای تعظیم است، در مقابل کسی که اهلیت برای تعظیم دارد.

اما یک سری افعال است که، عرف و عقلاء هم نمی‌فهمند که، وسیله‌ای برای تعظیم است، بلکه نیاز به راهنمایی و هدایت شارع مقدس دارد، مثل نماز یا روزه که، اگر بخواهیم خداوند را که اهلیت برای تعظیم دارد، بوسیله نماز یا روزه تعظیم کنیم، نمی‌توانیم بفهمیم که، نماز با این هیأت ترکیبیه خاصه، طریقی برای تعظیم خداوند است.

تنها راه برای فهم ما این است که، خداوند بیان کند و مردم را راهنمایی کند که برای تعظیم من، یک راه مهم نماز است، یک راه مهم صوم است و بیان خدا به این است که، خداوند امر را به این نماز متوجه کند. ما هم از راه خدا پی می‌بریم که، صلاه

وسیله و طریق تعظیم الهی است.

بعد مرحوم حائری(ره) فرموده که: عبادت حقیقتی غیر از تعظیم ندارد، عبادت یعنی خضوع، خشوع، تعظیم و تضرع در مقابل کسی که اهلیت برای تعظیم دارد، عبادت که ازش تعبیر می‌کنیم به پرستش، یعنی کسی را که اهلیت برای تعظیم دارد تعظیم کنیم.

سوال:....؟

پاسخ استاد: عقل می‌گوید: کسی که اهلیت تعظیم دارد، تعظیم در مقابل او خوب است و بلکه در بعضی موارد لازم است.

اگر شارع نمی‌گفت، آیا می‌توانستیم بفهمیم که، باید بایستیم، تکبیرة الاحرام بگوییم، بعد هم قرائت داشته باشیم، بعد رکوع و بعد سجده و بعد هم دوباره بایستیم؟ این هیأت ترکیبیه را که به آن می‌گوییم نماز، اگر شارع بیان نمی‌کرد، آیا فکر می‌کردیم، راه تعظیم خدا غیر سجده، چیز دیگری بنام نماز یا حتی صوم با این امساک‌هایی که در باب صوم داریم است؟

شارع باید راه تعظیم را برای ما بیان کند که، یکی از طرقش صوم است و یکی از طرقش صلاه است، منتها چگونه بیان کند؟ نمی‌آید بصورت اخباری بیان کند، بلکه امر را متوجه صلاه می‌کند و ما بعنوان عقلاء می‌فهمیم که، راه تعظیم خدا عبارت از خواندن نماز است.

پس مرحوم حائری چند مطلب در اینجا دارند؛ یک مطلب این است که، تعظیم از عناوین قصیدیه است، دوم اینکه حقیقت عبادت، غیر از تعظیم چیز دیگری نیست. حقیقت عبادت عبارت از همان خشوع و خضوع و تعظیم است و سوم اینکه در بعضی از موارد، عرف و عقلاء تعظیم را نمی‌فهمند، مگر اینکه شارع امر کند.

به اینجا که رسیده به مرحوم آخوند(ره) فرموده‌اند: اگر شارع امر کرد به صلاه و صلاه هم که عبادت است و حقیقتش تعظیم است، تعظیم هم از عناوین قصیدیه است، اگر صلاه را بقصد تعظیم انجام دادیم، چه کمبودی دارد؟

مرحوم حائری(ره) فرموده: برای عبادیت غیر از این که تعظیم را قصد کنیم، به هیچ چیز دیگری نیاز نداریم. نیاز نداریم که قصد امر کنیم تا مرحوم آخوند(ره) بگوید: اگر قصد الامر باشد، دور لازم می‌آید. ما برای عبادیت، طبق این بیانی که گفتیم، هیچ نیازی نداریم، جز این که صلاه را بقصد تعظیم خداوند انجام دهیم و نیاز نداریم صلاه را بقصد امر انجام دهیم، تا این که اشکال دور و این مسئله استحاله مطرح شود.

نقد و بررسی کلام مرحوم حائری(ره)

عرض کردیم که مرحوم بروجردی(ره)(در کتاب نهاییه الاصول، صفحه 116) جواب خیلی موجز و کوتاهی از مرحوم حائری(ره) داده فرموده‌اند که: لازمه فرمایش شما این است که، در هر عبادتی اگر قصد عنوان آن عبادت را داشته باشیم، این کافی است و این مطلب «مخالف لضروره الدین و اجماع المسلمین»، این مطلب با ضروری دین و اجماع مسلمین مخالفت دارد.

فرموده‌اند: از نظر دین و اجماع مسلمین، در هر عبادتی دو چیز معتبر است؛ یکی قصد عنوان و دومی قصد قربت، شما که می‌خواهید نماز بخوانید، اینجا دو عنوان لازم است، یک عنوان این است که این ایستادن بقصد صلاتیت است، بقصد احترام به دیگری نیست و عنوان دیگر که لازم است، قصد تقرب است که، صلاه را می‌خواهید برای خدا و قربت الی الله انجام دهید.

شما گفته‌اید که: عنوان قصد عبادت کافی است، اما قصد عبادت که همان قصد الامر ازش تعبیر می‌کنیم، لازم نیست، این مخالفت با ضرورت دین و اجماع مسلمین است.

سوال:...

پاسخ استاد: اگر کسی نماز ریایی خواند، می‌گویند: نماز نیاورد، یا می‌گویند: نماز ریایی آورد؟ البته می‌گویند: نماز ریایی آورد.

نقد و بررسی این اشکال مرحوم بروجردی(ره)

والد بزرگوار ما(حفظه الله) در بحث اصولشان از این فرمایش استادشان مرحوم بروجردی(ره) جواب داده و در حقیقت، دفاعی از مرحوم حائری کرده‌اند.

ایشان فرموده‌اند: مطلبی را مرحوم بروجردی(ره) در بحث صلاه داشته‌اند -تقریرات بحث صلاه مرحوم بروجردی(قدس سره) را والد بزرگوار ما(حفظه الله) نوشته‌اند، در زمان مرحوم بروجردی(ره) هم چاپ شد و در این اواخر هم تجدید چاپ شده است، در سنین خیلی کم، در بین سن نوزده تا بیست و چهار سالگی نوشته‌اند - این است که، در مسئله قصد قربت فرموده‌اند: آیه یا روایتی که دلیل باشد بر این که، یکی از شرایط صلاه، قصد قربت است نداریم. داریم که «لا صلاه الا بطهور لا صلاه الا بفاثحه الكتاب» القراما «لا صلاه الا بقصد به» نداریم.

از یک طرف همه علماء و فقهاء می‌گویند: یکی از شرایط نماز قصد قربت است. از طرف دیگر ایشان هم فرموده‌اند: آنچه داریم این است که، اگر کسی نماز را ریاءاً انجام دهد، این باطل است، حتی اگر یک جزء مستحبی نماز باشد. آنچه وجود دارد این است که، باید شخص برای نماز، هیچ داعی، غیر از داعی نماز نداشته باشد.

بعد از بیان این مطلب فرموده‌اند که: به نظر ما بین این دو عنوان، یعنی بین قصد عنوان صلاه و قصد قربت ملازمه است، برای اینکه برای تحقق ریاء، قصد صلاتیت لازم نیست، اگر کسی ظاهر نماز را شروع کند و اصلاً قصد صلاتیت هم نکرده باشد، این ریاء محقق می‌شود. در تحقق ریاء همین که ظاهر صلاه را انجام دهد کافی است و لازم نیست که حقیقت صلاه را قصد کند و بعد حقیقت صلاه را بخواهد ریاءاً انجام دهد.

پس نتیجه می‌گیریم که، بین این دو، یعنی بین قصد حقیقت صلاه و قصد قربت ملازمه هست، نمی‌شود کسی حقیقت نماز را قصد کند، اما عنوان ریاء داشته باشد، چون گفتیم: در حقیقت ریاء نیازی به قصد حقیقت صلاه نیست و همین که صورت نماز را هم بیاورد کافی است.

این هم جوابی است که ایشان داده‌اند، حال روی این مطالب دقت فرمایید، اینجا روی آن حرف داریم تا به جواب دوم مرحوم حائری(ره) از مرحوم آخوند(ره) برسیم.

حتماً هم در، صفحه 96 و هم نهاییه الاصول، صفحه 116 رال ببینید، تا تکمیل بحث را فردا ان شاء الله عرض کنیم.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ